

رزق و روزی در آیات و روایات

فلسفه وسعت و تنگی رزق و روزی

اشاره

مقدر شدن رزق و روزی برای هر یک از موجودات در عالم هستی، یکی از آموزه‌های مسلم اسلام است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»^۱ «هیچ جنبه‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست». بر اساس این آیه شریفه، خداوند روزی همه موجودات را تضمین و متکفل شده است. اما در شرایط کنونی شاهد فاصله طبقاتی میان اقشار مختلف جامعه هستیم و می‌بینیم که عده‌ای با کمترین زحمت، هر روز ثروتمندتر می‌شوند و عده‌ای نیز اگر چه با تمام نیروی خود در تلاشند، اما به هیچ چیز نمی‌رسند و یا در حال درجا زدن هستند. واقعاً حکمت این همه تضاد چیست؟ وقتی بنا بر آیات و روایات، تقسیم روزی به دست خداوند عادل است؛ پس این همه نابرابری برای چیست؟ چرا همه به اندازه هم ندارند تا عده‌ای از سر فقر و ناچاری دست نیاز مقابل دیگران دراز نکنند؟ در این جلسه و جلسات آینده، مسئله رزق و روزی را در سه محور «فلسفه وسعت و تنگی رزق و روزی»، «اقسام و ویژگی‌های رزق و روزی» و «اسباب و عوامل وسعت و تنگی رزق» بررسی خواهیم کرد تا به این سؤالات پاسخ دهیم.

تفاوت روزی

خداوند متعال رزق و روزی را میان همه افراد بشر - چه شکرگزار و چه ناسپاس - تقسیم کرده است و تمامی انسان‌ها از این لطف عام الهی برخوردارند؛ چنانکه خطاب به پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا»^۱ «هر دو [دسته] اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است». خداوند بنا بر حکمت خود، مقدار روزی افراد بشر را بدون در نظر داشتن اینکه آیا مؤمنند یا کافر، متفاوت مقدر کرده است. البته باید توجه داشت که تفاوت آن است که در شرایط نامساوی، میان اشیا فرق گذاشته شود؛ ولی تبعیض آن است که در شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان، بین اشیا فرق گذاشته شود.^۲ آنچه در خلقت وجود دارد، «تفاوت» است نه «تبعیض». نظام هستی، مانند وجود انسان است که از اجزای مختلف تشکیل شده و هر جزئی در جای مناسب خود قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که هم اجزا با هم مختلف هستند تا این مجموعه محقق شود و هم هر چیزی در جای مخصوص خود قرار گرفته است تا نظام احسن به وجود آید.^۳

در نظام کل و در توازن عمومی، وجود پستی‌ها و بلندی‌ها، فراز و نشیب‌ها، رنج‌ها و لذت‌ها، موفقیت‌ها و ناکامی‌ها لازم است. اگر اختلاف و تفاوت وجود نداشته باشد، موجودات گوناگونی نیز وجود نخواهد داشت.

جهان چون چشم و خط و خال و ابروست

که هر چیزی به جای خویش نیکوست^۴

نتوان گفت که خار از چه دمید خار را نیز در این باغ بهاست^۵

۱. اسراء: ۲۰.

۲. مرتضی مطهری؛ عدل الهی؛ ص ۱۰۱.

۳. همان، ص ۱۰۷.

۴. شیخ محمد لاهیجی؛ شرح گلشن راز (محمود شبستری)؛ ص ۵۵۱.

۵. پروین اعتصامی؛ دیوان اشعار؛ ص ۲۳۷.

تفاوت رزق و روزی نیز در همین راستاست؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَعَدَلَ فِيهَا لِيَبْتَلِيَ مَنْ أَرَادَ بِمَيْسُورِهَا وَمَعْسُورِهَا وَ لِيَخْتَبِرَ بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَ الصَّبْرَ مِنْ غَنِيِّهَا وَ فَقِيرِهَا»^۱ «[خداوند متعال] روزی‌ها را عادلانه تقسیم کرد تا هر که را بخواهد، به وسعت روزی یا تنگی آن بیازماید و میزان سپاسگزاریِ توانگر و شکیباییِ تهیدست را امتحان کند».

فلسفه وسعت و تنگی رزق

۱. آزمایش

یکی از سنت‌های همیشگی الهی، آزمایش است که در امت‌های پیشین بوده و در اسلام نیز وجود دارد: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ»^۲ «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند، آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند، معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد». آزمایش الهی در حالت‌های گوناگونی رخ می‌دهد؛ گاه از جنس ترس، گرسنگی و کاهش دارایی‌ها و جان‌ها و میوه‌هاست؛^۳ گاه از جنس خیر و شر^۴ و گاه از جنس پیروزی‌هاست.^۵

آزمون الهی، ابزارها و شرایط مخصوص به خود را دارد؛ از جمله وجود ظرف و مجرای که آزمون از بستر آن بروز می‌کند. تفاوت روزی، یکی از مهم‌ترین بسترهای وقوع آزمون الهی است. خداوند گاه به وسیله افزایش اموال و بهره‌مندی انسان از مواهب الهی، او را در بوته آزمایش قرار می‌دهد و گاه به وسیله کاستن از مواهب الهی. هم‌چنان‌که قرآن نیز به این مسئله اشاره کرده و می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح، خطبه ۹۱، ص ۱۳۴.

۲. عنکبوت: ۲ و ۳.

۳. ر.ک: بقره: ۱۵۵.

۴. ر.ک: انبیاء: ۳۵.

۵. ر.ک: آل‌عمران: ۱۴۴ - ۱۴۰.

أَوْلَادِكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»^۱ «و بدانید که اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایش [شما] هستند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است». پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةً وَإِنَّ فِتْنَةَ أُمَّتِي الْمَالُ»^۲ «برای هر امتی فتنه و آزمایشی است و [وسیله] آزمایش امت من، مال است».

وقتی آدمی پاره‌ای از تفاوت‌ها را می‌بیند، با این اندیشه می‌تواند به آرامش برسد؛ زیرا از آزمایش الهی گریزی نیست. پس باید مراقب بود تا در زمان تهی‌دستی زبان به گلایه ننگشود و در فراخ‌دستی از خدای تعالی و شکر نعمت‌های الهی غافل نبود و مراقب افراد نیازمند بود. باید مراقب بود تا گشایش روزی، سبب فخر فروشی و برتر دانستن خود و روزی اندک، نشانه حقارت و خواری کم‌بهره‌گان نشود.^۳

۲. مصلحت بندگان

خداوند بر پایه مصلحت بندگان، روزی آنان را مقدر نموده، آنان را از مواهب و نعمت‌های خود بهره‌مند کرده و به هر کس به اندازه ظرفیتش روزی داده است:

«وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ»^۴ «و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ گرداند، مسلماً در زمین سر به عصیان بر می‌دارند؛ لیکن آنچه را بخواهد، به اندازه‌ای [که مصلحت است] فرو می‌فرستد؛ به راستی که او به [حال] بندگانش آگاه بیناست».

در حدیثی از پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که خداوند می‌فرماید:

«بعضی از بندگان من طوری هستند که چیزی جز بیماری به صلاح‌شان نیست؛ به نحوی که اگر آنان را سلامت دهم، فاسد خواهند شد و برخی از بندگان من هستند که چیزی جز صحت به صلاح‌شان نیست که اگر بیمارشان کنم، بیماری

۱. انفال: ۲۸.

۲. محمد بن حسن فتال نیشابوری؛ روضة الواعظین؛ ج ۲، ص ۴۲۹.

۳. ر.ک: محمد حسین فضل‌الله؛ تفسیر من وحی القرآن؛ ج ۱۹، ص ۵۶؛ فخرالدین طریحی؛ مجمع‌البحرین؛ ج ۳، ص ۴۸۸.

۴. شوری: ۲۷.

آنان را به فساد خواهد کشانید و برخی از بندگان من هستند که جز بی‌نیازی چیزی به صلاحشان نیست که اگر فقیرشان سازم، فقر آنان را تباه می‌سازد و برخی از بندگانم جز فقر چیزی به صلاحشان نیست که اگر آنان را بی‌نیاز سازم، بی‌نیازی فاسدشان سازد و این است که با آگاهی از وضع دلهای بندگانم، امور آنان را تدبیر می‌کنم»^۱.

معنای مصلحت آن نیست که فرد تهیدست دست از تلاش برای کسب روزی بردارد یا فردی که از کار و تلاش گریزان است، بگوید وقتی مصلحت ما بیش از این نیست، پس چرا تلاش کنیم؟ چنین برداشتی از آیه ۲۷ سوره مبارکه شوری با آیات و روایاتی که انسان را به تلاش و کوشش دعوت می‌کنند، در تعارض است؛ زیرا همان خدایی که روزی را بر اساس مصلحت و حکمت میان بندگان خود تقسیم کرده، بر اساس مصلحت و حکمت خود نیز از بندگان خواسته تا با تلاش و کوشش روزی خود را به دست آورند. پس هر گاه انسان نهایت تلاش خود را نمود و در عین حال درها به روی او بسته شد، باید بداند در این امر مصلحتی بوده؛ پس بی‌تابی نکند، مأیوس نشود، زبان به کفر نگشاید و به تلاش خود ادامه دهد و تسلیم رضای الهی باشد.^۲

اگر چه گاهی تنگی معیشت و کم بودن روزی، به سبب کم بودن درآمد انسان نیست. گاه انسان درآمد بسیاری دارد، اما معیشت خوبی ندارد؛ چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»^۳. «و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم». عامل اصلی این تنگی و سختی معیشت، روی‌گردانی از خداست که ممکن است دامنه آن تا پس از مرگ نیز ادامه یابد. مراد از سختی و تنگی زندگی در این آیه شریفه، فقر و نداشتن مال و ثروت نیست؛ چه

۱. فضل الله طبرسی؛ مجمع‌البیان؛ ج ۱۰-۹، ص ۴۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲۰، ص ۴۳۴.

۳. طه: ۱۲۴.

بسیارند سرمایه‌داران و ثروتمندانی که به علت‌هایی چون حرص، ترس و دلهره - علی‌رغم داشتن ثروت بسیار - در تنگنا و فشار زندگی می‌کنند. در حقیقت دوری از یاد خدا، مایه اضطراب، حیرت و حسرت است؛ هر چند تمکن مالی انسان بالا باشد^۱ نمونه‌های چنین افرادی را در جامعه می‌توان بسیار دید، کارخانه‌دار و ثروتمندی که زندگی عادی و روزمره همسر و فرزندانش به سختی می‌گذرد و دل خرج کردن پول‌هایش را ندارد؛ باغداری که با حرص و آز می‌خواهد محصولات باغش را به قیمت بیشتری بفروشد و محصولاتش تباہ می‌شود؛ انسان ثروتمندی که از انفاق و کمک به نیازمندان امتناع می‌کند و بیشتر ثروتش را خرج بیماری خود یا خانواده‌اش می‌کند و هزاران نمونه عینی دیگری که در جامعه می‌توان مشاهده کرد.

خداوند روزی دادن را مایه عبرت^۲ معرفی کرده است تا آدمی بدانند رزقی که به دستش می‌رسد یا خودش کسب می‌کند، مولود دست به دست دادن هزاران رابطی است که انسان (که آن را از هنرمندی خود می‌داند)، یکی از آن هزاران هزار است. آن علت و سببی نیز که انسان‌ها به آن دل خوش می‌کنند که من فلان مغازه یا فلان کارخانه را دارم، یکی از آن اسباب است. تمامی اسباب نیز مستند به خدای سبحان است.^۳ از سوی دیگر به آدمی که با رسیدن به نعمت بی‌درنگ خوشحالی می‌کند و با از دست دادنش، نا امید می‌شود،^۴ یادآوری می‌کند رسیدن نعمت یا از دست دادن آن، مقدرات الهی است که بر اساس مصلحت و حکمت خدای متعال بر انسان جاری می‌شود.^۵ گاه تحمل ضررهای دنیوی و ناامیدی‌ها، زمینه‌ساز رشد معنوی بیشتر برای انسان می‌شود تا در چنین شرایطی صبر پیشه کند، توکلش به خدا زیاد شود و به مصلحت خدا راضی باشد. وقتی نعمتی نیز به او داده می‌شود، سرمست

۱. محسن قرآنی؛ تفسیر نور؛ ج ۵، ص ۴۰۴ و ۴۰۵.

۲. زمر: ۵۲.

۳. سیدمحمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۶، ص ۱۸.

۴. حدید: ۲۳: «لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ».

۵. محمد تقی مصباح یزدی؛ مشکات پند جاوید؛ ج ۲، ص ۲۴۳.

نشود و خدا را فراموش نکند؛ چرا که خوبی‌ها و بدی‌های دنیا، وسیله آزمایش انسان است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْحَيْرِ فِتْنَةً»^۱: «هر نفسی چشنده مرگ است و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود». بنابراین اگر زندگی‌اش سخت شد و رسیدن روزی‌اش به تعویق افتاد، زبان به گله و شکایت از خدای تعالی باز نکند.

سعد یکی از یاران پیامبر ﷺ و از افراد صفّه بود. فقر او پیامبر ﷺ را بسیار اندوهگین می‌کرد. روزی حضرت به او وعده داد اگر پولی به دستش برسد، به او بدهد تا با آن کار کند. اما مدتی گذشت و پولی دست پیامبر ﷺ نرسید. روزی جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شد و دو درهم به حضرت داد تا سعد آن را سرمایه خود قرار دهد. پیامبر ﷺ دو درهم را به سعد داد. اندک اندک وضع مالی سعد به اندازه‌ای خوب شد که در کنار مسجد مغازه‌ای گرفت و مشغول تجارت شد، اما دیگر برای نماز نمی‌آمد. وقتی پیامبر ﷺ از او پرسید چرا برای نماز نمی‌آیی؟ گفت: اگر اموال خود را بگذارم، ضایع می‌شود.^۲

۳. اقتضای عدل و حکمت الهی

رسیدن روزی بشر از سوی خدا، در واقع تفضّل الهی است نه امر واجبی که بر عهده خداوند باشد. تفضّل الهی نیز به این معنا نیست که به همه انسان‌ها یکسان و برابر روزی داده شود. تفاوت انسان‌ها از نظر استعداد و ظرفیت، سبب می‌شود روزی متفاوتی داشته باشند؛ زیرا استعداد و ظرفیت انسان‌هاست که عامل تعیین‌کننده مصلحت آنهاست.^۳ استعداد و ظرفیت گوناگون افراد، بیانگر تفاوت مصلحت آنان با یکدیگر است و از آنجا که حکمت الهی بر پایه مصلحت بشر است، مشیت و خواست خداوند برای هر یک از افراد بشر، مختص همان فرد می‌باشد. بنابراین تفاوت روزی انسان‌ها با عدالت الهی، منافات ندارد. ضمن آنکه خداوند فلسفه

۱. انبیاء: ۳۵.

۲. سید علی اکبر صداقت؛ یکصد موضوع پانصد داستان؛ ص ۷۴.

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۱، ص ۳۱۲.

تفاوت استعدادها و معیشت‌های مردم را چرخش جامعه و تعاون اجتماعی بیان کرده و می‌فرماید: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحِمْتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»^۱: «ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از [نظر] درجات بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند، بهتر است».

اگر بدن یک انسان یا اندام یک درخت یا حتی یک بوته گل را در نظر بگیرد، می‌بیند که قدرت مقاومت و استعداد ریشه درختان نمی‌تواند با گلبرگ‌های لطیف شکوفه‌ها و استخوان پاشنه پا با پرده‌های ظریف شبکیه چشم از هر نظر یکسان باشد. بر فرض که بتوانیم یک روز کره زمین را از مردمی که از هر نظر هم‌شکل، هم‌قواره، هم‌ذوق، هم‌فکر و هم‌سان هستند پر کنیم، آیا آن روز زندگی خوبی نصیب انسان‌ها خواهد شد؟ مسلماً نه؛ بلکه جهنمی پیدا می‌شود که همه در آن در زحمت خواهند بود. همه به یک سو حرکت می‌کنند، یک چیز را می‌خواهند، یک پست را می‌طلبند، یک نوع غذا را دوست دارند و می‌خواهند یک کار واحد را انجام دهند. عمر چنین زندگی‌ای زود به پایان می‌رسد و اگر هم باقی بماند، زندگی خسته‌کننده، بی‌روح و یک‌نواختی خواهد بود که تفاوتی با مرگ ندارد. وجود تفاوت در استعدادها و آنچه لازمه این تفاوت است، برای حفظ نظام جامعه و حتی برای پرورش استعدادهای مختلف لازم و ضروری است. چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتُوا، فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا»^۲: «مردم تا زمانی که متفاوتند، در خیرند؛ اما هر گاه یکسان گردند، هلاک می‌شوند».

خداوند با آگاهی از حال و وضع اشخاص، حکیمانه و عادلانه با سنجش و محاسبه‌ای دقیق و در نظر گرفتن همه جهات، شرایط، عوامل و زمینه‌های کاهش یا افزایش دهنده روزی که افراد برای خود فراهم می‌کنند و نیز با در نظر گرفتن همه

۱. زخرف: ۳۲.

۲. شیخ صدوق؛ *الأمالی*؛ ص ۴۴۶.

زوایا و مصالح فردی و اجتماعی و رعایت نظام حاکم بر جهان هستی، روزی‌های استحقاقی یا تفضلی بندگان را تعیین می‌کند.^۱ اگر همسر نوح علیه السلام و همسر لوط علیه السلام در زمره هلاک‌شوندگانی که سهمیه روزی دنیوی آنان قطع شده، قرار گرفتند؛ از این جهت بود که مسیر بدکاران را انتخاب کردند. اگر قارون تمام ثروتش را یکباره از دست می‌دهد و یا مرد باغداری که خدا به او باغی از انواع انگورها داد که گرداگردش درخت نخل بود، باغش را در یک شب از دست می‌دهد؛ به سبب خدا فراموشی، غرور، خودبینی و بخلی است که خود را به آن گرفتار ساختند و از انفاق اموال در جهت رشد و پیشرفت و تحقق خواسته‌های الهی سر باز زدند.^۲

از سوی دیگر خداوند بر اساس حکمت خود، چیزهایی را کاهنده و چیزهایی را افزایش‌دهنده روزی قرار داده است.^۳ انسان‌ها نیز می‌توانند زمینه‌های کاهش یا افزایش روزی را برای خود ایجاد کنند و هر مقدار که این زمینه‌ها را در جهت کاهش یا افزایش روزی، برای خود فراهم کنند، خداوند نیز بر همان اساس روزی آنها را کم یا زیاد می‌کند؛ مانند اینکه با انجام صله رحم می‌توانند روزی خود را افزایش دهند. در حقیقت خداوند در شب قدر بر اساس رفتارهای گذشته بندگان، در همه زمینه‌ها و از جمله روزی آنان، مقدراتشان را تعیین نموده و سرنوشت آینده آنان را مشخص می‌کند. از همین روست که مؤمنان در این شب به احیاء و راز و نیاز و توبه و انابه می‌پردازند تا به میمنت توجه به معبود و عطر خوش حالات معنوی و بازگشت از بدی‌ها، مقدرات سال آینده آنان بهتر از سال گذشته رقم بخورد.^۴

۱. ر.ک: بقره: ۲۴۷ و ۲۶۱؛ آل عمران: ۷۳؛ مائده: ۵۴؛ انعام: ۱۸ - ۱۷ و ۸۳؛ توبه: ۲۸؛ هود: ۳؛ اسراء:

۱۸ و ۳۰؛ نور: ۳۳ و ۳۲؛ قصص: ۸۲ و ...

۲. ر.ک: اعراف: ۸۳؛ هود: ۸۱؛ حجر: ۵۹ و ۶۰؛ شعراء: ۱۷۰ و ۱۷۱؛ نمل: ۵۷؛ قصص: ۷۶ و ۸۲؛ قلم:

۳۳-۱۷.

۳. ر.ک: انعام: ۵۹؛ اسراء: ۵۸؛ فاطر: ۱۱؛ حدید: ۲۲.

۴. ر.ک: عبداللطیف بهنام؛ رازقیت آفریدگار و تلاش انسان؛ ص ۷۲ و ۷۳.